

*Two seasons of a promotion, The
Quran and Science studies
Vol. ۲, No. ۴,
Fall & Winter ۲۰۱۸
P ۹۹- ۱۴۰*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن و علوم
س ۲ ش ۴ پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۹۹ تا ۱۴۰

**مدل برنامه ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم
(مطالعه موردی حضرت نوح (ع))**

امیر علی لطفی* صفرمراد حسین اف*

چکیده

خداوند بر اساس ربوبیت خود و برای هدایت بشر، پیامبران را ارسال و قوانین را از طریق آن‌ها نازل کرده است. یکی از پیامبران اولوا العزم حضرت نوح (ع) است که برای هدایت امت خود برنامه ریزی راهبردی تدوین، اجرا و ارزیابی کرده است. برنامه ریزی راهبردی آن حضرت بر اساس سه محور شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب صورت گرفته است. مقاله حاضر «مدل برنامه ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم با تأکید بر مطالعه موردی حضرت نوح (ع)» را با بهره‌گیری از روش میان رشته‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

*. استاد همکار جامعه المصطفی (ص) و مسئول گرایش قرآن و مدیریت

گروه قرآن و علوم مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)،

hamdrahmat@gmail.com

*. دانش‌آموخته دکترای قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی

العالمیه (ص)، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)،

safarhuseyn1980@gmail.com (نویسنده مسئول)

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حضرت نوح (ع) با شناخت از وضع موجود امت خویش، وضعیت مطلوب را ترسیم و راهبردهای نیل به آن را ترسیم نموده است. بدین جهت آن حضرت برای نیل به وضع مطلوب، اقدام به طرح و ارائه راهبردهای گوناگونی همچون: ابلاغ صریح مأموریت، بشارت و انذار، عدم درخواست مزد، شفقت و دلسوزی، حفظ سرمایه انسانی، استقامت و اتکال به خدا و پیوند دادن بین امور معنوی و امور مادی کرده است. برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح (ع) دارای امتیازاتی مانند انسانی، سازمانی و محیطی است که نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی دانش مدیریتی از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدل، مدل برنامه‌ریزی راهبردی، سازمان، حضرت نوح (ع).

مقدمه

قرآن کریم سند برنامه‌ریزی راهبردی کمال انسان به سمت سعادت است. خداوند یگانه با تدبیر حکیمانه، سازمان هستی را آفریده، جهت و مسیر فعالیت‌های آن را به نحو احسن تعیین نموده و در مقام تعلیم، پیش‌بینی آینده و برنامه‌ریزی راهبردی، تمام این موارد را در قرآن کریم از طریق ارسال پیامبران، یادآور شده است. حضرت نوح (ع) سومین پیامبری که نام او ۴۳ بار در قرآن در حدود ۱۱۴ آیه ذکر شده است (حکیم، ۱۳۷۴: ۱۵۸-۱۵۷). سن به نبوت رسیدن آن حضرت را چهل سالگی، سیصد و پنجاه و یا چهارصد و هشتاد سالگی گفته‌اند که در میان قومش نهصد و پنجاه سال زندگی کرد (حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۱۱ / ۲۵۲)، گفته شده است. اسم نوح از عربی واژه «النوح» گرفته شده که زیاد نوحه و گریه می‌کرده است (شیخلی، ۱۴۲۷: ۱۰ / ۳۲۰). بعضی دیگر آن را غیر عربی دانسته و مشتق از ماده «النوح» ندانسته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۱۷۳). خداوند او را بنده شکرگزار گفته است (اسراء/۳)، علت این بوده است که هرگاه چیزی می‌خورده و یا آبی می‌آشامیده خدا را حمد و شکر می‌کرده است (سیوطی، ۲۰۰۷: ۱۶۶؛ حوی، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۰۳۵). همچنین در روایات آمده است که خداوند اولین مردمی را که روز قیامت بر می‌انگیزد، نوح و قوم او هستند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۶۷). اولین امتی که مورد عذاب خدا واقع می‌شوند قوم گنه‌کار نوح (ع) می‌باشد (حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۱۱ / ۲۵۲). در سوره‌های قرآن، دعاها و رنج‌های نوح، از مظلومیت او و طغیان قومش فراوان حکایت شده است. صبر و مقاومت نوح در مقابل بی‌احترامی مردم به صورت شفاف بیان شده است (هاشمی شهرستانی، ۱۳۸۹: ۶۰).

حضرت نوح (ع) جهت برون رفت از مشکلات و سختی‌ها و چالش‌هایی فراوان زندگی فردی و اجتماعی و در راستای هدایت و رهبری امت خویش از برنامه‌ریزی راهبردی مؤثری که از اعتقادی وی به توحید ربوبی سرچشمه گرفته بهره برده است. این مقاله با

طرح پرسش «مدل برنامه ریزی قرآن کریم با تأکید بر مدل برنامه ریزی راهبردی حضرت نوح (ع) چیست» پاسخ به سؤال‌های زیر را دنبال می‌کند:

۱- شناخت وضع موجود توسط حضرت نوح از قوم خویش چیست؟

۲- آن حضرت چه ترسیمی از وضع مطلوب آینده داشته است؟

۳- راهبردهای ایشان برای نیل به وضع مطلوب چیست؟

۱- مبانی نظری

در این بخش اشاره‌ای به پیشینه و سابقه تحقیق، مفهوم‌شناسی، روش تحقیق، مدل‌های مرتبط با تحقیق و مدل منتخب خواهد شد.

۱-۱- پیشینه و سابقه تحقیق

واکاوی سوابق تحقیق شامل دو کتاب در موضوعات: الف) تأثیر جهان‌بینی توحیدی در دانش مدیریت (دیالمه، ۱۳۹۳: ۳-۷). ب) النظرية الاستراتيجية الإلهية في القرآن الكريم (اللواتي، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۶، ۱۵۰، ۲۲۴-۲۲۷، ۳۳۶).

۱۰۲

چهار مقاله با موضوعات: الف) فرایند برنامه ریزی استراتژیک از منظر قرآن (حیدرزادگان و مشهدی عباس، ۱۳۹۲: ۴۷-۶۱). ب) سازوکار توحید ربوبی در برنامه ریزی راهبردی با تأکید بر قرآن کریم (لطفی و حسین‌اف، ۱۳۹۶: ۳۰۵) جامعیت قرآن کریم در عرصه تأثیر اعتقاد به توحید ربوبی در برنامه ریزی راهبردی (لطفی و حسین‌اف، ۱۳۹۷). د) جامعیت برنامه ریزی راهبردی قرآن برای انسان مؤمن با بررسی آیات «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» (حسین‌اف، ۱۳۹۷)؛ نشان داد که در حوزه موضوع این تحقیق، پژوهش‌های

اولیه مرتبط به طور اخص صورت نگرفته است. این تحقیق از نظر نوآوری، عنوان، اهداف و سؤالات با پیشینه‌های بررسی شده تفاوت دارد.

۲-۱- روش تحقیق

روش این مقاله، میان‌رشته‌ای است. چون پژوهش، از نوع تفسیر موضوعی برون قرآنی با نگاهی به دستاوردهای علوم مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشد و تأثیر اعتقاد به توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی را با توجه به آیات قرآن کریم و دستاوردهای انسان‌ها در برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح (ع) مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش گردآوری: در این مقاله گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است؛ یعنی با مراجعه به قرآن کریم و کتاب‌های تفسیری و مدیریتی و برنامه‌ریزی راهبردی، اطلاعات و داده‌های مرتبط با موضوع گردآوری شده و سپس به تحلیل و تبیین آن‌ها پرداخته شده است.

۳-۱- مفهوم شناسی

در این قسمت اشاره‌ای به تعاریف مفاهیم «مدل»، «مدل برنامه‌ریزی راهبردی»، «برنامه‌ریزی راهبردی» و «سازمان» خواهیم نمود.

۱-۳-۱- مدل

مدل در لغت به معانی: الگو، نمونه، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۴/۳۹)، سرمشق، هر چیز و هر کس اعم از مجسمه و انسان و غیره که در برابر هنرمند قرار گیرد تا از روی آن نقاشی کند یا مجسمه بسازد (معین، ۱۳۷۶: ۳۹۶۹) سبک یا شیوه ساختن چیزی (عمید، ۱۳۷۵: ۳/۳۴۷۴) آمده است.

در علوم اجتماعی، مدل معمولاً شامل نمادهاست تا اشیای فیزیکی، یعنی ویژگی‌های بعضی از پدیده‌های تجربی شامل اجزا و روابط بین آن‌ها را به شکل منطقی بین

مفاهیم نشان می‌دهد. مدل انتزاعی از واقعیت است که برای نظم‌بخشی و ساده‌سازی دید ما از واقعیت را برآورده می‌کند (نجمیاس، ۱۳۸۱: ۶۵).

مدل‌ها منعکس‌کننده روابط نظام‌یافته متغیرها، عوامل و عناصر در عالم واقع و جهان خلقت است (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۶). تصویری نسبتاً کلی از طرح اصلی یک پدیده بزرگ، شامل برخی اندیشه‌های هدایت‌گر پیرامون ماهیت واحدهای ذی‌مدخل، الگوهای این واحدها و نیز الگوهای روابط شناخته‌شده است (فرهنگی و صفر زاد، ۱۳۸۵: ۶۹). مدل دستگاه اندیشه‌ای است که به‌وسیله آن ضمن تبیین گزاره‌های منتج از دانش-های مرتبط و رابطه بین آن‌ها، بتوان طی یک فرایند منطقی و شفاف، به تولید دانش و پاسخگویی به پرسش در یک عرصه میان‌رشته‌ای پرداخت (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۱۳۱). لازم به ذکر است که میان معانی مدل^۱، الگو^۲ و نمونه^۳ تفاوت است. مراد از مدل ساختار مفهومی به دست آمده از یک برنامه‌ریزی راهبردی است که می‌تواند الگوهای متعددی را ارائه دهد، در حالی که الگو یک ساختار عینی از برنامه‌ریزی راهبردی است و نمونه طرح کاملاً عینی محسوب می‌شود (دیباجی، ۱۳۸۷: ۱۸).

۲-۳-۱- مدل برنامه‌ریزی راهبردی

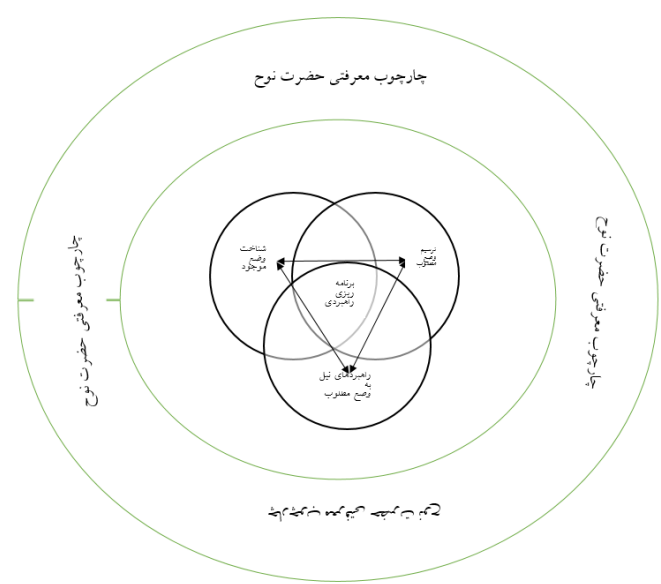
یکی دیگر از واژگان مترادف مدل، «پارادایم»^۴ است. پارادایم، الگوواره، نمونه و مدل، به مجموعه دستاوردهای علمی‌ای که مورد قبول عموم و یا گروهی به رسمیت شناخته شده است که برای مدت‌زمانی در طرح و حل مسائل جامعه علمی نقش الگو را به عهده می‌گیرد (Kuhn, ۱۹۷۰: ۸ & ۳۵).

۱ - Model.
 ۲ - Pattern.
 ۳ - Nominal.
 ۴ - Paradigm.

یک مفهوم و چهارچوب ذهنی که افراد رفتار و عادات خود را از آن الگوبرداری کرده و طبق آن عمل می‌کنند، چارچوب معرفتی‌ها معمولاً طی یک اتفاق منطقی رخ می‌دهند و سپس از راه‌های مختلف به‌قدری در جامعه تکرار می‌شوند که درنهایت به یک چهارچوب بدیهی تبدیل می‌شوند. امروزه چارچوب معرفتی به معنای جهان‌بینی و نظریه کلی انسان راجع به قلمروی از هستی است که با توجه به آن نظریه، به بررسی جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد (عابدی جعفری و معصومی‌مهر، ۱۳۹۲: ۴۸). در این تحقیق به‌عوض واژه «پارادایم» از اصطلاح «چارچوب معرفتی» استفاده خواهد شد.

اندیشه و معرفت توحیدی، چارچوب معرفتی منسجم (پارادایم) اصلی حضرت نوح (ع) است. در این مقاله منظور از چارچوب معرفتی همان چارچوب فکری منسجم آن حضرت است که رسالت، مأموریت و حوزه وظایف ایشان در همین چارچوب کلان تعریف و ابلاغ شده است؛ و همه تلاش‌ها و فعالیت‌های آن حضرت مبتنی بر اندیشه توحیدی است. بر اساس تعریف منتخب از برنامه‌ریزی راهبردی در این مقاله، برنامه‌ریزی راهبردی سه‌گام شناخت وضعیت موجود، ترسیم وضعیت مطلوب و راه‌های نیل به وضع مطلوب هست که از باورهای حضرت نوح نشئت‌گرفته است. این سه موضوع تحت چارچوب معرفتی حضرت نوح قرار گرفته است، یعنی همه برنامه‌ریزی‌های راهبردی ایشان در سایه این چارچوب معرفتی که عبارت از توحید ربوبی است، صورت گرفته است.

این سه مرحله در تعامل با یکدیگر بوده و از هم جدا نیستند؛ یعنی تعامل این سه فرایند و مرحله تحت چارچوب معرفتی موحد قرار دارد. تعامل سه مرحله به شکل زیر است.



شکل: ۱-۴- تعامل سه مرحله برنامه ریزی راهبردی

مدل منتخب این مقاله بر اساس فرایند سه مرحله‌ای: شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راه‌های نیل به وضع مطلوب است. در شناخت وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب، همه جوانب نیازهای انسان برای برنامه‌ریزی راهبردی مهم بوده است؛ ولی آنچه از اهمیت بالایی برخوردار بوده بر اساس طرح و موضوع تحقیق مباحث فرهنگی-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری است که اولویت با مبحث اعتقاد به توحید ربوبی دارد. هرچند در بررسی و تحلیل مباحث اقتصادی، سیاسی، علمی و ... نیز اشاراتی شده است.

۳-۳-۱- برنامه‌ریزی راهبردی

در دانش مدیریت برنامه‌ریزی راهبردی با توجه به رویکردهای اندیشمندان تعریف شده است. از این رو، با توجه به دیدگاه‌های مختلفی همچون تعریف عام، تعریف فراگردی، تعریف با نگاه به ویژگی‌ها، تعریف با توجه سؤالات، تعریف با عنایت به اهداف و یا تعریف از طریق مقایسه بین برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی بلندمدت از آن تعریف ارائه شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) تعریف عام برنامه‌ریزی راهبردی: برنامه‌هایی که برای کل سازمان طراحی می‌شوند، اهداف کلی سازمان را ترسیم می‌کنند و به دنبال تعیین وضعیت سازمان در محیط هستند، برنامه‌ریزی استراتژیک نامیده می‌شوند (Stephen & Coulter, ۱۲۰:).

ب) تعریف بر اساس سؤالات: برنامه‌ریزی استراتژیک ما را قادر می‌سازد تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم: ما کی هستیم؟ چه ظرفیتی داریم/چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ ما با چه مشکلی مواجه هستیم؟ ما چه می‌خواهیم ایجاد کنیم؟ کدام مسائل مهم را ما باید پاسخ دهیم؟ کجا باید منابع‌مان را اختصاص دهیم؟ اولویت ما باید چه باشد؟ (Shapiro, ۲۰۰۱: ۳).

ج) تعریف بر اساس اهداف: تعریف برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس اهداف دارای چهار هدف اصلی است: ۱. پیدا کردن، جذب و حفظ مشتریان. ۲. اطمینان از این که شرکت نیازها و خواسته‌هایی از مشتریان خود را برآورده می‌کند که پایه‌ای در ارائه محصول یا خدمات با کیفیت است که مشتریان واقعاً می‌خواهند. ۳. حفظ موقعیت رقابتی. ۴. استفاده از نقاط قوت شرکت و استفاده کامل از نقاط ضعف رقیب خود (Alkhafaji, ۲۰۰۳: ۱۲).

با توجه به تعریف‌های یاد شده برنامه‌ریزی راهبردی دارای ویژگی‌های زیر است:
۱. برنامه‌ریزی راهبردی در واقع تصمیم‌گیری برای رسیدن به اهداف سازمانی است

که به صورت محیط داخلی و خارجی را تحلیل کرده و خود را را برای رقابت با سازمان- های رقیب همگون می سازد؛

۲. برنامه ریزی راهبردی عهده دار حل مسائل حیاتی سازمان بوده و با توجه به محیط خارجی آن طراحی می شود؛

۳. برنامه ریزی راهبردی دارای سه گام تدوین، اجرا و ارزیابی است.

۴-۳-۱- سازمان

سازمان عبارت است از واحد اجتماعی خاص که ترکیب و استخوان بندی آن اندیشمندان و از روی تعمد ساخته شده و بارها مورد دوباره سازی های مجدد بمنظور حصول هدف یا هدفهایی معین قرار می گیرد (پسران قادر، ۱۳۸۰: ۵۸-۵۹).

در قرآن کریم بعضی از کلمات وجود دارد که از نظر لغوی مفهومی نزدیک به مفهوم سازمان دارند، کلماتی چون: شعب، قبیله، جمع، حزب، معشر، قوم، ملت و امت (چینی فروش، ۱۳۸۵: ۵۰).

۵-۱- مدل مفهومی تحقیق

مدل در اینجا به چه معناست و برنامه ریزی راهبردی حضرت نوح (ع) چگونه می تواند برای یک برنامه ریزی راهبردی بعدی مدل محسوب شود؟ مدل برنامه ریزی راهبردی حضرت نوح از یک چارچوب معرفتی سرچشمه می گیرد و مقدمه ای برای مدل نهایی پیامبران بعدی است. مدل برنامه ریزی راهبردی این تحقیق مدلی است مفهومی شامل مجموعه ای از اصول، ویژگی ها و راهبردها که در سه بخش وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب مورد تأیید قرار گرفته و بررسی می شود. فرایند سه مرحله ای وضع موجود، وضع مطلوب و راهبرد نیل به وضع مطلوب بر اساس تعریف منتخب از برنامه ریزی راهبردی در این تحقیق که سه مرحله شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب انتخاب گشته است، اشاره ای به مباحث مربوط به این سه مرحله می شود تا در یافته های تحقیق

این سه مرحله در برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح بیشتر بررسی گردد. شناخت وضع موجود در استراتژی‌هایی از قبیل گاو شیرده یا استراتژی ثبات (احمدی و همکاران: ۵۷) و استراتژی‌های ترکیبی (فروزنده دهکردی: ۸۱) به کار رفته است. همچنین بررسی وضعیت موجود در مدل/ فرایند برنامه‌ریزی راهبردی دانشمندی از قبیل میتزبرگ، دیوید، هیل و جونز، کلر و پیترسون آمده است. تصویرسازی وضع مطلوب نیز در الگو/فرایند برنامه‌ریزی شخصانی چون: دیوید، گوشتاین و همکاران، هیل و جونز، برایسون و پیترسون مورد بررسی قرار گرفته است (فرازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۵).

در تحلیل وضعیت کنونی باید جزئیات را به اندازه کافی در نظر گرفت تا نیاز به تغییر یا استراتژی تغییر مورد تأکید قرار گیرد. درک وضعیت کنونی سازمان پیش از تغییر لازم است تا مشخص شود برای رسیدن به وضعیت مطلوب آینده، کدام تغییرات مورد نیاز است و چگونه می‌توان تأثیر آن تغییر را سنجید. تحلیل وضعیت موجود ممکن است مباحث زیر را در بر داشته باشد: زمینه و بافت شامل نمای کلی شرکت، توانایی‌ها، منابع، عملکرد، فرهنگ، وابستگی‌ها، زیرساخت‌ها، تأثیرات بیرونی و روابط مهم بین این عناصر (نوریان، www.hosseinnourian.com).

آنچه در شناخت وضعیت موجود باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، ضعف‌های داخلی است. چنانکه در شناخت وضع قوم حضرت نوح (ع) خواهد آمد، آن حضرت بیشتر درگیر ضعف قوم خود بوده و از صفات مذموم آن‌ها همچون وضع موجود رنج می‌برد.

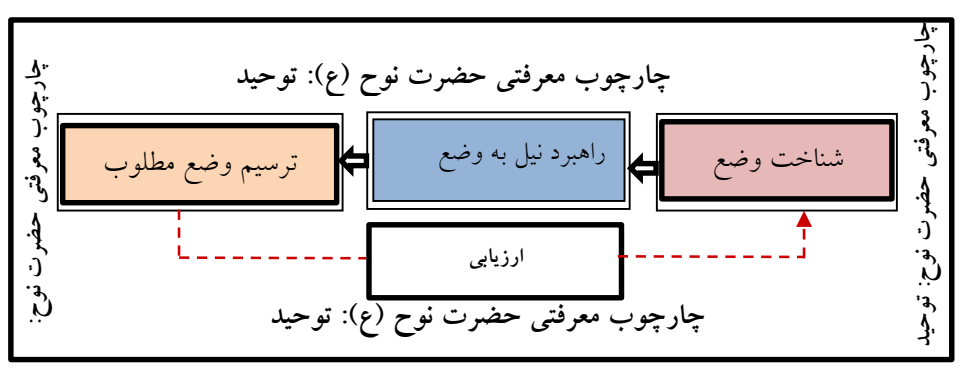
و اما آنچه در ترسیم و تصویر وضع مطلوب مد نظر است، همان ترسیم چشم‌انداز و مأموریت سازمان است. در چارچوب یک مأموریت مشخص، ممکن است سازمان چشم‌اندازهای مختلف و مسیرهای متفاوتی را دنبال کند. انتخاب چشم‌انداز (نقطه مطلوب آینده) می‌باید بر اساس ویژگی‌های خاص سازمان (شامل قوت‌ها، ضعف‌ها و شایستگی‌های محوری) و نیز شرایط حاکم بر محیط سازمان (شامل فرصت‌ها و

مدل برنامه ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم (مطالعه موردی حضرت نوح (ع))

تهدیدهای محیطی) صورت گیرد. به همین دلیل، اگر به درستی ترسیم شود، منحصر به فرد خواهد بود.

تصویر مطلوب آینده در واقع ابعاد سازمانی ایدئال را ترسیم می‌کند که علاقه‌مندیم آن را ایجاد کرده و یا به سوی آن حرکت کنیم. وجود یک چشم‌انداز در سازمان باعث هماهنگی فعالیت‌های مختلف در بخش‌های گوناگون سازمان می‌شود. همچنین باعث انسجام فعالیت‌های سازمان در طول زمان و در مقاطع زمانی مختلف خواهد شد. تحقق این دو مهم تنها در شرایطی حاصل می‌شود که افراد و گروه‌های کلیدی در سازمان در مورد چشم‌انداز ترسیم‌شده اجماع و اتفاق نظر داشته باشند (فرازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹).

طراحی و استفاده از الگوی نظری مفهومی و مناسب برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از اعتقاد حضرت نوح (ع)، منجر به تحلیل و تفسیر بهتر پدیده‌های برنامه‌ریزی راهبردی علمی او می‌شود. بر این اساس، چارچوب نظری الگوی تحقیق حاضر، به صورت زیر می‌باشد.



مدل: ۴-۱- مدل منتخب برنامه‌ریزی استراتژیک تحقیق

بر اساس الگو و مدل این تحقیق، برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح (ع) تحت دایره توحید ربوبی قرار گرفته است. چارچوب معرفتی آن حضرت را توحید ربوبی شکل می‌دهد که بر اساس آن، ایشان شناخت وضع موجود سازمان خود را انجام داده و ترسیم

وضع مطلوب می‌نمایند. راهبردهای نیل به وضع مطلوب آن حضرت که خود همچون پیش‌قراول هادی جامعه پیش از دیگران به آن‌ها عمل می‌کند، به دیگران پیشنهاد می‌نماید.

۲- تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

تبیین مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح (ع) مورد بررسی این قسمت از مقاله است. از آنجا که حضرت نوح (ع) یکی از شخصیت‌های قرآنی معتقد به توحید ربوبی معرفی و گزارش شده است، در این بخش از تحقیق تأثیر اعتقاد آن حضرت در برنامه‌ریزی راهبردی ارائه می‌شود؛ و در پایان ضمن ارائه مدل برنامه‌ریزی راهبردی برخاسته از اعتقاد به توحید ربوبی حضرت نوح، امتیازات و برجستگی‌های این برنامه‌ریزی نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی متعارف پیشنهاد و ارائه خواهد شد.

۲-۱- شناخت وضع موجود

خداوند حضرت نوح (ع) را برای هدایت قومش که بت‌های پنج‌گانه «نسر»، «یغوث»، «سواع»، «ودّ» و «یعوق» (نوح/۲۳) را می‌پرستیدند ارسال نمود، قومی که در کفر و شرک غوطه‌ور بودند. آن حضرت به امر معروف و نهی از منکر قومش پرداخته و آن‌ها را از عذاب الهی انذار می‌داد ولی قومش آن جناب را با توهین، استهزاء (هود/۳۸)، ظلم و تکذیب و حقیر نمودن پاسخش می‌دادند تا جایی که او را ضرب و جرح هم می‌کردند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۵/۶۶). با وجود تمام این سختی‌ها آن حضرت دست از هدایت قومش برنداشته و به دعوت آن‌ها ادامه داد، ولی در آخر که دید آن‌ها هدایت‌پذیر نیستند از خداوند طلب عذاب آن‌ها را نمود (نوح/۲۶) و خداوند قوم او را به وسیله طوفان غرق نمود؛ بنابراین اولین پیامبری بود که در زمان حضورش عذاب بر مردم نازل شد (شبستری، ۱۳۷۹: ۹۸۹). در روایات آمده است که خداوند اولین مردمی را که روز قیامت برمی‌انگیزد، نوح و قوم او هستند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۶۷). اولین امتی که مورد عذاب خدا واقع می‌شوند قوم گنه‌کار نوح (ع) می‌باشد (حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۱۱/۲۵۲). در آیات

قرآن، دعاها و رنج‌های نوح، از مظلومیت او و طغیان قومش فراوان حکایت شده است. صبر و مقاومت نوح در مقابل بی‌احترامی مردم به صورت شفاف بیان شده است (هاشمی شهرستانی، ۱۳۸۹: ۶۰).

قوم حضرت نوح در بدترین شرایط از نظر الحاد به سر می‌بردند. با توجه به عمر طولانی‌ای که حضرت نوح داشت، آن حضرت آن‌ها را چند نسل جد اندر جد هدایت نمود، ولی آن‌ها نه تنها به حرف‌های هدایت‌بخش او گوش فرا نمی‌دادند؛ بلکه فرزندانشان را نیز از پیروی آن حضرت برحذر می‌داشتند، چنانکه نقل شده است: بعضی از مردان آن‌ها پسرش را نزد نوح (ع) برده و به او می‌گفت پسرم از این مرد دوری کن و بترس، مبادا که تو را فریب دهد پدر من مرا که مانند تو جوانی بودم پیش این آورده و همین طور که من تو را از او حذر می‌دهم پدرم هم مرا از وی حذر می‌داد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۵۴۲).

خصوصیات فکری، رفتاری و وضعیت این قوم را بنابر نقل آیات قرآن می‌توان بر اساس فرهنگی-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری بررسی نمود. آن‌ها از نظر فکری و رفتاری در بدترین حالت به سر می‌بردند. از خصوصیات منفی برجسته‌ای که آن‌ها داشتند کفر (نوح/۲۶)، بت‌پرستی (نوح/۲۳)، جهالت (هود/۲۹؛ نجم/۲۹)، استکبار (نوح/۷)، ظلم (هود/۳۷ و ۳۹ و ۴۴؛ ابراهیم/۱۳؛ نجم/۵۲)، تکذیب پیامبران (شعراء/۱۰۵)، و مسخره نمودن نوح (هود/۳۸) بود. آن‌ها قوم لجوج، خودخواه و متکبری بودند که مطلقاً حاضر نبودند در برابر حق سر تعظیم فرود آورند. قوم آن حضرت گرفتار بدترین تکبر و خودبرتربینی گشته بودند که یکی از عوامل مهم بدبختی آن‌ها بود، زیرا خود را بالاتر از این می‌دیدند که در برابر انسانی مانند خود هر چند نماینده خدا باشد، سر فرود آورند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۵/۶۴). استکبار آن‌ها این بود که بزرگی را به خود می‌بستند که هیچ منشأی برای آن نداشتند (طیب، ۱۳۶۹: ۱۳/۲۰۷). استکبار آن‌ها در مقابل شخص نوح و دعوت او بود (ملکی میانجی، ۱۴۱۴: ۲۹/۹۹).

از موانع حق‌پذیری، جهل است که در ریشه‌یابی علل حق‌گریزی قوم نوح قطعاً یکی از علل مهم، جهل آن‌ها بوده است. جهل آن قوم، به این معنا است که آن‌ها از عقل و حلم برخوردار نیستند یعنی کفار نسبت به نوح و کار او سفاقت به خرج دادند و عقل را به کار نیستند؛ و نیز جهل نسبت به امتیاز یک انسان بر سایر انسان‌ها که به پیروی از حق و عمل نیک و آراستگی به فضایل است نه به داشتن مال و جاه که آن قوم تصور می‌کردند؛ از این رو از پیامبرشان می‌خواستند که مؤمنین فقیر را از دور خود براند و آن‌ها را طرد کند.

یکی دیگر از صفات مذموم قوم نوح «ستمگر و ظالم» بودن آن‌هاست. این قوم اقسام مختلف ظلم را مرتکب می‌شدند که به خاطر وجود همین صفت نیز هلاک شدند. آیات متعددی به این نکته دلالت دارد. از جمله خداوند آن‌ها را ظالم دانسته خطاب به نوح می‌فرماید: «...وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ» (هود/۳۷). این آیه ظالم بودن آن‌ها را ثابت نموده و سزاوار عذاب شدن آن‌ها را می‌رساند که هیچ راه نجاتی برایشان باقی نمانده است.

خداوند آن قوم را دو باره ظالم اعلام نموده است «وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود/۴۴؛ ابراهیم/۱۳). در این آیه امر تکوینی خداوند که عین ایجاد و انفاذ او بوده و از مقام ربوبی‌اش صادر می‌شود، قوم نوح را از رحمت خود دور کرده و با فرمان او زمین و آسمان به خروش آمدند و قوم نوح غرق گشتند و در نتیجه در دنیا گرفتار خواری و در آخرت مبتلا به خسران شدند. از آنجا که قوم نوح دستور الهی به ایمان و عمل صالح را مخالفت کردند نتیجه‌اش این شد که خدای تعالی با امری تکوینی که از مخالفت امری تشریحی نشئت گرفته بود، آن فرمان‌ها را صادر فرمود تا جزای آنان در برابر تکبر و استعلایشان بر خدای عز و جل باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۲۳۰).

این چنین خداوند قوم نوح را از همه ظالم تر و طغیانگرتر دانسته است: «وَقَوْمُ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى» (نجم/۵۲). در این آیه نه تنها متصف بودن آن قوم را به ظلم تأیید می‌کند. بلکه آن‌ها را از دیگران نیز ستمگرتر و طغیانگرتر می‌داند.

از جمله صفات رذیله قوم آن حضرت تکذیب پیامبران بود «كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء/۱۰۵) که بر این اساس از تمامی معارف پیامبران بی‌بهره گشته و با این کار خود و اهلشان را در وادی سقوط می‌بردند.

شاید یکی از عوامل مهم در ایمان نیاوردن قوم نوح (ع)، ایمان نیاوردن بزرگان و اشراف آن قوم بود که اجازه نمی‌دادند دیگران نیز ایمان بیاورند. سبب تکذیب و کفر به این پیامبر توسط قومش به ظاهر اشکالات، اما در واقع افتراء و مغالطه بود که بر نوح (ع) وارد می‌کردند. افتراءات آن‌ها به صور مختلف آمده است:

- الف) شک و تردید به آموزه‌های نوح (ابراهیم/۹). اظهار تردید آن‌ها در آن چیزی است که بدان دعوت می‌کرد که همان توحید ربوبیت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۲۵).
- ب) بشر دانستن نوح (ج) بازداري از دين پدران (ابراهیم/۱۰). د) برتری جوینده دانستن نوح. ه) نشنیدن اینکه پیامبر از نسل انسان هست در میان اجداد پیشین (مؤمنون/۲۴).
- و) مجنون دانستن آن حضرت (مؤمنون/۲۵؛ قمر/۹). ز) ساده‌لوح دانستن پیروان او. ح) برای نوح (ع) فضیلت و برتری قائل نبودن. ط) دروغ‌گو پنداشتن آن حضرت (هود/۲۷).

از آیات فوق و آیات دیگر که به این موضوع اشاره دارد، روشن می‌شود که این قوم مخصوصاً به خاطر حق ناپذیری اشراف و بزرگانشان در مقابل دلیل‌های روشن حضرت نوح (ع) به لجاجت، افتراء زنی و بدرفتاری با آن حضرت و پیروان انگشت شمارش می‌پرداختند و حتی حاضر به شنیدن کلام حق هم نبودند؛ بنابراین می‌توان با استناد به این آیات آن قوم را متصف به این صفت مذموم دانست.

آن‌ها از نظر رفتاری دچار عناد و انکار شده و از خود رفتارهای نابهنجار نشان می‌دادند (نوح/۷). اشراف کافر قوم نوح (ع) برای اینکه سخنان آن حضرت را قبول نکنند، بهانه‌های فراوانی می‌آوردند از جمله: بشر دانستن نوح (ع)، ساده‌لوح دانستن پیروان آن حضرت، هیچ‌گونه برتری برای آن حضرت قائل نبودن، دروغ‌گو دانستن آن جناب (هود/۲۷). عدم پذیرش نصیح و خیرخواهی (هود/۳۴) و با جدال، مبارزه‌طلبی با نوح می‌کردند (هود/۳۲). این‌چنین او را گمراه می‌دانستند (اعراف/۶۰). ولی آن حضرت با منطقی استوار گمراهی را رد کرده، اعلام صریح مقام و جایگاه سازمانی خویش می‌کرد. «قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ» (اعراف/۶۱). ایشان خود را رهبری دلسوز، ناصح و خیرخواه مردم (مجموعه افراد تحت هدایت و رهبری) «... وَ أَنْصَحُ لَكُمْ ...» (اعراف/۶۲) دانسته در این زمینه تفوق و برتری علمی و تخصصی در سلسله‌مراتب مدیریتی خویش را بیان می‌کرد «... وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۶۲). در مقابل آن همه بی‌منطقی، خود را مدیر و رهبر برخوردار از منطق و برهان «... إِنَّ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي ...» (هود/۲۸) می‌دانست. این‌ها مواردی از نمونه افکار و اعتقادات آن‌ها بود.

وضعیت قوم نوح (ع) از نظر اجتماعی-رفتاری خیلی نامناسب بود، در ذیل آیات ۱۰-۱۲ سوره نوح آمده است: بنابر بعضی از روایات پس از عدم تبعیت از نوح، خشک‌سالی و قحطی قوم نوح را فرا گرفت و بسیاری از اموال و فرزندانشان هلاک شدند، زنان عقیم گشتند و کمتر بچه می‌آوردند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۵/۷۰). از دیگر وضع نامناسب قوم که آن حضرت از آن ترس داشت، به کفر کشیده شدن مردم مؤمن از سوی کافران بود. از طرف دیگر آن حضرت از طریق وحی (هود/۳۶) آگاهی یافته بود که این کافران خود ایمان نیاورده و جز فرزندان کافر به دنیا نخواهند آورد، بنابراین از خدا درخواست نابودی کافران را نمود. «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَجْرًا كَفَّارًا» (نوح/۲۶-۲۷). آن‌ها آن

پیامبر دلسوز را تهدید به سنگسار می کردند (شعراء/۱۱۶). از طرف دیگر رهبران آن‌ها که خود گمراه بودند، بسیاری از مردم دیگر را نیز به گمراهی کشانده بودند (نوح/۲۴).

در جدول زیر مجموعه خصوصیات رفتاری و وضعیت موجود قوم نوح (ع) از نظر فرهنگی-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری آورده می شود.

مدل برنامہ ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم (مطالعه موردی حضرت نوح (ع))

وضع موجود قوم نوح (ع)		
ردیف	فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
۱	کفر (نوح/۲۶)	خشک‌سالی و قحطی (نوح/۱۱)
۲	بت پرستی (نوح/۲۳)	نابودی اموال (نوح/۱۲)
۳	تکذیب نوح و پیامبران (شعراء/۱۰۵ و ۱۱۷)	عقیم گشتن زنان (نوح/۱۲)
۴	استکبار نسبت به نوح (نوح/۷)	هلاکت فرزندان (نوح/۱۲)
۵	تمسخر نوح (هود/۳۸)	تولد فرزندان کافر (نوح/۲۶)
۶	گمراه خواندن نوح (اعراف/۶۰)	به کفر کشاندن مؤمنان (نوح/۲۷)
۷	تفوق و برتری قائل نبودن برای نوح (هود/۲۷)	رفتارهای ناپهنجار نسبت نوح (نوح/۷)
۸	نسبت دروغ‌گویی به نوح (هود/۲۷)	جهالت (هود/۲۹؛ نجم/۲۹)
۹	ساده‌لوح دانستن افراد مؤمن (هود/۲۷، شعراء/۱۱۱)	ظلم و ستم (هود/۳۷ و ۳۹ و ۴۴، ابراهیم/۱۳، نجم/۵۲)
۱۰	نپذیرفتن نصیح و خیرخواهی (هود/۳۴)	تهدید به سنگسار نوح (شعراء/۱۱۶)
۱۱	مبارزه طلبی با جدال (هود/۳۲)	گمراه کردن بسیاری از مردم (نوح/۲۴)
۱۲	شک و تردید به آموزه‌های نوح (ابراهیم/۹)	دروغ‌گو و مجنون دانستن آن حضرت (مؤمنون/۲۵، قمر/۹، هود/۲۷)

جدول: ۱-۴- شناخت وضع موجود قوم نوح (ع)

۲-۲- ترسیم وضع مطلوب

حضرت نوح (ع) با توجه به شناخت دقیق وضع نامناسب موجود قوم خویش و با توجه به تجربه‌های مختلف در میان اقوام گوناگون که با آن‌ها زندگی نموده بود، از روی وظیفه پیامبری و نصیح و خیرخواهی انسانی قوم خویش را به آینده روشن و سعادت دارین بشارت داده و از عواقب بد عدم فرمان‌بری انذار و هشدار می‌داد. آن حضرت با اعتقاد به ربوبیت خداوند، همه هستی را از خداوند می‌دانست که به هر کس از بندگانش بخواهد و آن‌ها شایستگی آن را داشته باشند، آن را می‌دهد. علاوه بر این دنیا در دار آخرت نیز بندگانش را به نعم دائمی متنعم می‌گرداند. بر همین اساس ایشان با صبر و تحمل فراوانی که داشت، از کارشکنی و عدم تبعیت قوم خود ناامید نگشته و همیشه آن‌ها را تشویق و ترغیب به ایمان آوردن نموده و از عاقبت کفر برحذر می‌داشت.

آن حضرت وضع مطلوب را برای قومش عبادت، تقوای خداوند و اطاعت از خود بیان می‌کرد (شعراء/۱۰۸ نوح/۳). همچنین به آن‌ها می‌فرمود استغفار راه نجات از گناهان پیشین است (نوح/۱۰). از نظر فرهنگی و اعتقادی در صورت پذیرش سخن او دو چیز را برایشان ضمانت می‌کند. اول: خداوند گناهانتان را که پیش از ایمان آوردن مرتکب شدید می‌آمرزد، «يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ» چون ایمان آنچه را که پیش از آن به وقوع پیوسته، می‌پوشاند. دوم: هرگاه به خدای یگانه ایمان آورید، او عذاب طوفان و دیگر عذاب‌ها را که باعث نابودی شما می‌شود از شما دفع می‌کند و به شما مهلت می‌دهد که عمر طبیعی را پشت‌سر گذارید «وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (نوح/۴) و حسابرسی از گناهکاران شما را به روز قیامت واگذار می‌کند. در غیر این صورت، شما را در همین دنیا گرفتار عذابی می‌کند که نابودتان کند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷/۴۲۵). ایشان به قوم خود با بیان موهبت الهی به آن حضرت و داشتن بینه و رحمت از نزد پروردگارش، می‌فهماند که وضع مطلوب در عقیده، عدم الزام و اجبار است

(هود/۲۸). همچنین به قومش می‌فهماند که از نظر فکری شما زمانی به وضع مطلوب می‌رسید که نصیحت من را گوش کنید (هود/۳۴؛ اعراف/۶۲).

از آنجا که چاقوب معرفتی حضرت نوح را توحید ربوبی تشکیل می‌داد آن حضرت به قومش یادآور می‌شود در صورتی که شما از نظر فکری-اعتقادی دائم به یاد و ذکر خدا باشید، می‌توانید به وضع مطلوب که همان هدایت الهی و نجات از بحران‌های زندگی است برسید (هود/۴۱). ایشان راه نجات را همفکری و همراهی با مؤمنان می‌داند؛ و تأکید ایشان مبنی بر نجات یافتن از بحران‌ها، رحم خداوند نسبت به بندگان است (هود/۴۲-۴۳. اعراف/۶۳).

آن حضرت از جمله بهترین حالت وضع مطلوب را اتکال و تکیه بندگان به خداوند می‌داند که در برابر هرگونه تهدید و بحران، مایه آرامش و نجات فرد و گروه می‌باشد (یونس/۷۱).

ایشان وضع مطلوب را دریافت موهبت الهی با زحمات شخص دریافت‌کننده موهبت می‌داند. «... وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» (ابراهیم/۹-۱۱). بدیهی است بخشیدن این موهبت از ناحیه خداوند بی‌حساب نیست، مشیت خدا با حکمت او هماهنگ است. هر جا می‌خوانیم: «خدا به هر کس بخواهد می‌دهد»، مفهومش این است «هر کس را شایسته بداند»، هر چند شایسته بودن، موهبت الهی است، ولی آمادگی‌هایی در شخص دریافت‌کننده موهبت نیز حتماً وجود دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۰/۲۹۳). آن حضرت ترسیم وضع مطلوب فکری-اعتقادی را پذیرش و اجابت درخواست‌ها از طرف خداوند می‌داند (انبیاء/۷۶).

حضرت نوح (ع) آینده را برای مؤمنان روشن دیده و با یادآوری نعمت‌های الهی، فقدان موهبت‌ها را با اندیشه متمرد مبنای استدلال منطقی خود می‌کند و سختی‌های ناشی

از آن را متذکر می‌شود (نوح/۱۳-۲۰). ایشان قوم خود را با این منطق، دعوت به استغفار کرده و انگیزه‌های مادی و معنوی را در این مسیر مطرح و آنان را برای برطرف کردن و به دست آوردن نیازهای اجتماعی-رفتاری‌اشان، تشویق و تحریض می‌کند. «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَاراً» (نوح/۱۰-۱۲). همان‌گونه که در شناخت قوم نوح ذکر گردید، بر اثر عدم تبعیت از نوح، آنان گرفتار خشک‌سالی، هلاکت اموال و فرزندان و عقیم گشتن زنان شده بودند که نوح به آن‌ها گفت: اگر ایمان بیاورید و استغفار نمایید، همه این مصائب و بلاها از شما دفع خواهد شد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۷/ ۷۰). ایشان با آسان‌گیری در کاری که داشت، یادآور می‌شود که با استفاده از کمترین امکانات (بنابر ظاهر) «استغفار»، بیشترین سود امور راهبردی به دست می‌آید. «... اسْتَغْفِرُوا ... يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً ... بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ ... جَنَّاتٍ ... أَنْهَاراً». همچنین از جمله مزایای مدیریت رحمانی خود را، ارائه راه حل و راهکار می‌داند.

آن حضرت ترسیم وضع مطلوب را در چارچوب معرفتی خود بر خلاف عرف متعارف جامعه و پنداشت قومش، عدم دریافت مزد از قوم بیان می‌کند. همچنین حفظ سرمایه انسانی را در این راستا مطلوب می‌داند (هود/۲۹).

آن حضرت در ترسیم وضع مطلوب اجتماعی-رفتاری قومش، چهار نکته را یادآور می‌شود که لازم نیست من این چهار مطلب را داشته باشم و شما باور کنید و یا در صورت عدم وجود آن وضع مطلوب شما قابل دسترسی نباشد. اولاً اینکه من به شما نمی‌گویم که خزائن الهی در اختیار من است «وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ» و ثانیاً نمی‌گویم از غیب آگاهی دارم «وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ» و ثالثاً نمی‌گویم من فرشته‌ام «وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ» و رابعاً اینکه من هرگز نمی‌توانم در باره این افرادی که در چشم شما حقیرند بگویم خداوند هیچ خیر و پاداش نیکی به آن‌ها نخواهد داد «وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ

خیراً» (هود/۳۱). ایشان با این بیان تفاوتی منطقی بین خیالات قوم و واقعیت اجتماعی - رفتاری ترسیم کردند. آن حضرت به دو وضع مطلوب اجتماعی دیگر به قوش اشاره می‌کند و آن نجات از گرفتاری‌های بزرگ و پیروزی در مقابل دشمنان (انبیاء/۷۶-۷۷).

ترسیم وضع مطلوب قوم نوح بر اساس چارچوب معرفتی آن حضرت در جدول زیر آمده است.

جدول: ۲-۴- ترسیم وضع مطلوب قوم نوح (ع)

۲-۳- راهبردهای نیل به وضع مطلوب

وضع موجود قوم نوح و ترسیم وضع مطلوب برای آینده، بررسی گردید.

ترسیم وضع مطلوب قوم نوح (ع)		
ردیف	فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
۱	عبادت و تقوای خداوند (شعراء/۱۰۸ و ۱۱۰. نوح/۳)	باران فراوان (نوح/۱۱)
۲	اطاعت و پیروی از نوح (شعراء/۱۰۸ و ۱۱۰. نوح/۳)	به دست آوردن مال (نوح/۱۲)
۳	بخشش گناهان (نوح/۴)	تولد فرزندان پسر (نوح/۱۲)
۴	استغفار راه نجات از گناهان پیشین (نوح/۱۰)	نهرهای جاری (نوح/۱۲)
۵	عدم الزام و اجبار در عقیده (هود/۲۸)	مهلت زندگی طبیعی (نوح/۴)
۶	تبعیت از نصیحت نوح (هود/۳۴. اعراف/۶۲)	عدم دریافت مزد از قوم (هود/۲۹)
۷	دائم به ذکر و یاد خدا بودن (هود/۴۱)	حفظ سرمایه انسانی (هود/۲۹)
۸	راه نجات در همفکری و همراهی با مؤمنان (هود/۴۲-۴۳)	عدم لزوم وجود خزائن الهی پیش نوح (هود/۳۱)
۹	رحم خداوند، راه نجات بنده‌اش (هود/۴۳. اعراف/۶۳)	لازم نبودن آگاهی نوح از غیب (هود/۳۱)

راهبردهای حضرت نوح برای نیل به وضعیت مطلوب با توجه به ترسیم چشم‌انداز

۱۰	توکل به خدا، مایه آرامش و پیروزی (یونس/۷۱)	عدم التزام بین هدایت و فرشته بودن هادی (هود/۳۱)
۱۱	دریافت موهبت الهی با زحمات شخص دریافت‌کننده موهبت (ابراهیم/۱۱)	عدم قضاوت پیشاپیش نسبت به سرمایه انسانی (هود/۳۱)
۱۲	پذیرش و اجابت درخواست‌ها (انبیاء/۷۶)	نجات از گرفتاری‌های بزرگ و پیروزی در مقابل دشمنان (انبیاء/۷۶-۷۷)

توحیدی آن حضرت مشتمل بر آرمان‌ها، ارزش‌ها، رسالت و اهداف توحیدی ایشان است که در این راه تلاش کرده و به منظور تحقق مأموریت الهی با تحلیل عوامل داخلی و تحلیل عوامل خارجی، راهبردهای خویش را تدوین و در مسیر تحقق چشم‌انداز توحیدی به دستور الهی عمل نموده است.

مأموریت ایشان هدایت قوم به سوی خدای یگانه و انذار آن‌ها از بت‌پرستی و گرفتار عذاب خدا نگشتن بود (نوح/۱). ایشان مردم را به توحید و عبودیت الهی دعوت نموده و به تبعیت از پیامبر و مزین گشتن به لباس تقوای الهی سفارش می‌کرد (نوح/۳).

آن جناب برنامه‌های راهبردی فراوانی اجرا کرده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها ساخت کشتی و نجات موجودات از غرق شدن در طوفان می‌باشد. حضرت نوح توحید ربوبی پروردگار را در بعد نظری و عملی معتقد بودند؛ فلذا در برنامه‌ریزی راهبردی خویش آن را عملاً نشان داده است. ایشان شاخصه‌های اصلی برنامه‌ریزی راهبردی را بر همین اساس مد نظر داشته و عملاً اجرا نموده است. همیشه پروردگار را در سطح عالی مدیریت دانسته و از آن با لفظ معتبر «... رَبِّ ...» استفاده می‌کند. آن بزرگوار استفاده از این شاخصه در برنامه‌ریزی راهبردی را، اخذ تصمیم‌های اصلی در سطوح عالی مدیریت یعنی خداوند «فَأَوْحَيْنَا ... بِأَعْيُنِنَا وَ وَحَيْنَا ...» (مؤمنون/۲۷) دانسته و زیر او امر او کار می‌کند. ایشان در استفاده از شاخصه دیگر برنامه‌ریزی راهبردی، نگاه به محیط بیرونی «... عَلَيَّ

الأرض...» داشته و برنامه‌های بلندمدت «... لا تَذَرُ... يُضِلُّوا... وَ لا يَلِدُوا...» را پیش روی خود قرار داده است.

حضرت نوح (ع) اهتمام به تثبیت فرهنگ و ارزش‌های سازمانی را همیشه یادآور شده و انواع ارزش‌ها را بیان می‌کند. نعمت‌های پروردگارتان: «ذِكْرُ مَنْ رَبِّكُمْ» (اعراف/۶۳) آیات خداوند، توکل بر او: «... يَا قَوْمِ إِن كَان كَبْرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ...». نسبت دادن قوم به خودش، پروردگار من، رحمت‌های داده او: «قَالَ يَا قَوْمِ... مِنْ رَبِّي... آتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ» (یونس/۷۱؛ و هود/۲۸). ملاقات مؤمنان پروردگارشان را: «...الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ...». بخشنده و مهربانی پروردگارم: «... إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (هود/۴۱).

یکی دیگر از جنبه‌های متمایز ایشان در برنامه‌ریزی راهبردی، شناسایی و تعیین مسائل راهبردی با نگاه توحیدی (رب و استغفار) «... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ...» (نوح/۱۰) در سازمان بوده است. همچنین استفاده از منابع غیبی در مدیریت بحران و راهبردی و نقش کلیدی عوامل فرامادی «وَقُلْ رَبِّ...» (مؤمنون/۲۷-۲۹). در فرایند برنامه‌ریزی راهبردی را مورد توجه قرار داده است.

در راستای رسیدن به وضع مطلوب، حضرت نوح (ع) مسیر طولانی‌ای را با صبر و حوصله زیاد پیمودند. با توجه به موقعیت‌شناسی آن حضرت از قوم خود و تجزیه و تحلیل محیط درونی سازمان (قوم) خود و محیط بیرونی، ایشان راهبردهای زیر را پیش گرفتند.

۱-۳-۲- شفاف سازی و بیان رسالت

وظیفه نوح (ع) هدایت بشر بود، بر این اساس و برای اینکه رسالتش را به قومش خوب رسانده باشد و آن‌ها از هرگونه سوء برداشت مبنی بر رسالت او به دور باشند،

ایشان شفاف‌سازی در بیان رسالت خویش نمودند. در این راستا به بیان صریح عقاید خود پرداخته ابلاغ و پیگیری مأموریت‌های سازمانی را انجام داده «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي...» (اعراف/۶۲) و خود را رسول امین برای مردم لقب می‌داد «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعراء/۱۰۷).

حضرت نوح در اجرای برنامه‌ریزی راهبردی خود، قبل از همه ویژگی خود را انجام وظیفه و نصیح و خیرخواهی مردم می‌داند «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۶۲)؛ و برای اینکه شائبه‌ای در ذهن مردم پیش نیاید که او برای پاداش تبلیغ و زحمت می‌کشد، عدم درخواست مزد را از جمله اصول راهبردی خویش شمرده و این امر را از طرف مدیر ارشد می‌حسابد. «وَا يَا قَوْمِ لَأَسْأَلَكُمْ عَلَيْهِ مَا لَأِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ...» (هود/۲۹، یونس/۷۲). در راستای اجرای برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی با اعتقاد به توحید ربوبی، شفقت و دلسوزی را پیشه ساخته سرمایه انسانی را حفظ نموده و آن‌ها را از خود دور نمی‌کرد. «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/۱۱۴ و هود/۲۹). در اجرای برنامه‌ریزی راهبردی، استفاده بهینه از منابع و امکانات نموده و کارها را بهره‌ور می‌کند. «... أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا ... فَاسْأَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَكَ...» (مؤمنون/۲۷). ایشان همچنین اصل تعهد به انجام کارها از روی علم و آگاهی را سرمنشأ کار خود می‌داند. «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ...» (هود/۴۷). همچنین جامع‌نگری در درخواست‌ها و شرکت دادن دیگران حتی همه هم‌عقیده‌ها بدون مرز زمانی را در مرحله اجرا عملی می‌کند. «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِيَوْمِ الدِّينِ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...». منظور از جمله «... وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...» تمامی زن‌ها و مردهای مؤمن تا روز قیامت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۵۶).

از جمله شفاف‌سازی ایشان استفاده از تمامی شیوه‌های مؤثر و فرصت‌ها بوده است. «تَمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» (نوح/۵، ۸ و ۹). حضرت می‌گوید: من آنان

را، هم سری دعوت کردم و هم علنی، یک بار علنی بار دیگر سری تا در دعوتم همه راه‌هایی را که ممکن است مؤثر باشد رفته باشم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۰).

از دیگر راهبردهای شفاف‌سازی و بیان رسالت حضرت نوح (ع)، شناسایی و اعلام نقاط ضعف داخلی سازمان او می‌باشد. از جمله ضعف‌های قوم او ناخوشنودی آن‌ها بود از اینکه برای آن حضرت از طرف پروردگار نعمتی داده شده است. «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود/۲۸). یکی دیگر از نقاط ضعف قوم او جهالت بود که آن حضرت از این بابت در سختی به سر برده و آن را یادآور می‌شد. «... وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود/۲۹). از دیگر موارد ضعف قوم او، غیر قابل پذیرش انزال وحی به انسانی همانند آن‌ها بود. «أُ وَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ...» (اعراف/۶۳).

آن حضرت برای رفع نقاط ضعف داخلی، نقاط قوت داخلی سازمان خود را برجسته کردند. نعمت‌های خداوند و توکل به ذات او را نقطه قوت داخلی بیان کردند. «... وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ...» (یونس/۷۱). یکی دیگر از نقطه‌ها قوت داخلی را «استغفار» دانسته و تأکید بر استفاده بهینه از آن را با ذکر بخشنده بودن پروردگار می‌کنند تا اطمینان دهد که در صورت برگشت از شرک، گناهان گذشته آن‌ها بخشیده خواهد شد. «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (نوح/۱۰). از این طریق به فکر به دست آوردن سرمایه-

های اصلی و راهبردی برای اعضای سازمان خود بودند؛ و پیوندی بین تأثیر امور معنوی در امور مادی همچون: باران فراوان، اموال و فرزندان و ... دادند. «... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ... يَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا... يُمِدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۰-۱۲).

ایشان در امر شفاف‌سازی موضع خود در قبال اطلاع از اعمال سابق شخصی اعضای سازمان را لازم ندانسته و از تجسس در اعمال شخصی افراد پرهیز می‌کند. «قَالَ وَ مَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (شعراء/۱۱۲). همچنین گذشته شخصی اعضای سازمان را در کار فعلی سازمان دخالت نداده و ملاک را حالت فعلی دانسته و رفتار و قضاوت می‌کند. «إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ» (شعراء/۱۱۳)؛ و به اعضای سازمان می‌فهماند که کنترل‌کننده اصلی پروردگار من است.

۲-۳-۲- انذار و تبشیر

رسالت و مأموریت حضرت نوح (ع) در مسیر چشم‌انداز توحیدی از طرف خداوند، هدایت قوم بود. از آنجا که راهبردها با تحلیل عوامل داخلی و محیطی تعیین می‌شوند، با توجه به اقتضائات محیطی قوم، در پاره‌ای مواقع «راهبرد انذار» و در موارد دیگر «راهبرد تبشیر» مورد توجه آن حضرت بوده است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نوح/۱). بر اساس این آیه او مأموریت داشت که با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های اساسی، مردم را هدایت و انذار نماید. خود آن حضرت نیز انذار مردم را به عنوان مأموریت سازمانی خویش بیان می‌کند. «أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ...» (اعراف/۶۳. هود/۲۵). ایشان با بیان اینکه قومش تعجب می‌کردند، استقامت در اجرای مأموریت خویش را به آن‌ها یادآور می‌شود که هرچند شما تعجب نمایید ولی من به مأموریت خود پایبند هستم. ایشان در راهبرد انذاری خویش، برخورد صریح و قاطع با افراد ناهنجار در سازمان داشتند به گونه‌ای که تخطی از سازمان را جبران‌ناپذیر می‌دانستند. «... قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ...» (هود/۴۳). در زمینه تبشیر و تشویق نیز با بیان نعمت‌های آفاقی و انفسی خداوند برای انسان‌ها (نوح/۱۴-۲۰)، آن‌ها را به گرایش به دین تشویق می‌نمود.

مدل برنامه ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم (مطالعه موردی حضرت نوح (ع))

۲-۳-۳- استقامت و اتکال به خدا

برای رسیدن به وضع مطلوب، حضرت نوح که تجربه بسیار طولانی داشتند، از استقامت خود در راه عقیده و پرهیز از یأس و نومیدی استفاده نمودند. ایشان در مسیر چشم‌انداز توحیدی مقاومت در برابر تهدیدات و فشارهای محیطی نموده و توکل به خدا را در همه زمینه‌ها به کار می‌بستند. «... يَا قَوْمِ إِن كَانَتْ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ...» (یونس/۷۱). استقامت حضرت در مسیر رسالت به قدری زیاد بود که

در تمامی لحظات دست از تبلیغ (مأموریت) بر نمی‌داشت. وی گاه به سراغ مردم در خانه‌هایشان می‌رفت، یا در کوچه و بازار آن‌ها را به‌طور خصوصی صدا می‌زد و با حوصله و لحن محبت‌آمیزی تبلیغ می‌کرد و گاه در مجالس عمومی که به منظورهای دیگری از قبیل جشن و عزا تشکیل شده بود می‌آمد و با صدای بلند و آشکار فرمان خدا را بر آن‌ها می‌خواند، اما همیشه با عکس‌العمل‌های نامطلوب و توهین و استهزاء و گاه ضرب و جرح روبرو می‌شد، ولی با این حال هرگز دست از کار خود برنداشت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۵/۶۶).

ایشان با پیش‌بینی دقیق، تهدیدات خارجی را شناسایی نموده و از فرصت استفاده کرده برای جلوگیری از تهدید پیش رو، کارآمدترین راهکار را تمسک به خدا یادآوری می‌کند. «... قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ...» (هود/۴۳) ایشان تهدید موجود (خشک‌سالی، اتلاف اموال، فرزند دار نشدن و ...) را تبدیل به فرصت و منفعت (استغفار) می‌کنند. «... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ... يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً... يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً» (نوح/۱۰-۱۲). راهبرد دیگر ایشان شناسایی تهدیدات جدی فراروی سازمان و تمرکز جهت از بین بردن آن بود. ایشان پس از صبر و تحمل سالیان متمادی در راه تبلیغ دین و یقین پیدا کردن در اینکه کافران نه تنها ایمان نمی‌آورند بلکه تهدیدی جدی برای مؤمنان هستند که آن‌ها را به کفر کشانده و خود نیز جز کافران به دنیا نمی‌آورند؛ فلذا از فرصت استجابت دعا استفاده نموده از خدا درخواست برچیده شدن کافران از روی زمین را می‌کند. «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً... يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح/۲۶-۲۷). ایشان باورهای غلط و امور ضد ارزش عملی راه، تهدیدات اصلی فراروی سازمان می‌دانستند. «... فَاجِرًا كَفَّارًا». «فاجر» به معنی کسی که گناه زشت و شنیعی مرتکب می‌شود و «کفار» مبالغه در «کفر» است، تفاوت میان این دو

واژه در جنبه‌های عملی و اعتقادی آن‌ها است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۸۹/۲۵).

ع-۳-۲- نجات مؤمنین با ساخت کشتی

حضرت نوح (ع) درازترین عمر را در میان انبیاء الهی داشته و در این میان کمترین افراد به او ایمان آورده‌اند که به گفته بیشتر مفسران هشتاد نفر بودند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۲۴۸). ایشان پس از زحمات فراوان و استفاده از روش‌های گوناگون برای هدایت قوم خود، از همه توان خود بهره برده و در نهایت از طریق وحی آگاه گشت به اینکه از قوم او دیگر کسی ایمان نمی‌آورد (هود/۳۶)، برچیده شدن نسل کافران از روی زمین را از خداوند درخواست نمود (نوح/۲۶). دلیل این درخواست را به گمراهی کشیده شدن مؤمنان توسط کفار و تولد کافران بیشتر ذکر می‌کند (نوح/۲۷). پس از پیمودن این همه راه، در آخر می‌بیند که چاره دیگری باقی نمانده است، برای اجابت این دعا خداوند به او دستور ساخت کشتی بزرگی می‌دهد تا همه کفار را غرق نماید، بنابراین او به ساخت کشتی می‌پردازد تا نسل بشر را در روی زمین از گزند کفر و الحاد نجات دهد. «وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا وَوَلَّا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ وَبَصْنَعِ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرْءًا عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (هود/۳۷-۳۸).

در مورد ویژگی‌ها، زمان ساخت و انواع موجودات حمل شده در کشتی، اوصاف زیاد آمده است. برای مدت ساخت آن از دو سال، چهارسال (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۷/۳۴۵)، هشتاد سال (بحرانی، ۱۴۱۵: ۳/۱۰۲) تا چهارصد سال (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۴/۲۰۶) گفته شده است. در مورد اندازه آن گفته شده طول آن سیصد ذراع، پهنای آن پنجاه ذراع و بلندی آن سی ذراع بوده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۷/۳۴۵). همچنین در مورد طبقه‌های آن گفته شده در سه طبقه (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۴/۲۰۶) آن را ساخته است. به هر صورت و ویژگی‌هایی که باشد، آنچه به

دست می‌آید این است که کشتی ساخته آن حضرت خیلی بزرگ و در مسیر چشم-انداز توحید ربوبی او بوده است که چنین برجستگی‌هایی داشته است: با آینده‌نگری دقیق آن حضرت و برای زمانی طولانی ساخته شده است. ایشان آن را برای نجات موجودات نیاز بشر در آینده تا آخر دنیا ساخته است. مقصد از ساخت آن برای اصلاح زیربنایی افساد و الحاد بشر از روی زمین بوده است. با این راهبرد توانست عدد خیلی از مؤمنان و دیگر حیوانات را که نیازهای بشر در طول تاریخ را برآورده می‌کنند، نجات دهد.

۵-۳-۲- تمدن‌سازی نوح (ع)

تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر شده و جریان پیدا می‌کند. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (دورانت، ۱۳۷۸: ۱۵/۱).

تمدن‌سازی^۱ فرایندی مبتنی بر علم و قدرت دانش و کارشناسی است. مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و معارف مورد نیاز، دانش راهبردی را به دست می‌دهند که تمدن بر پایه آن بنا شده و شامل دو دسته از معارف و آگاهی‌هاست: معارف و آگاهی‌هایی که جهت‌گیری-های ارزشی را تعیین نموده و معارف و آگاهی‌هایی که جهت‌گیری‌های تدبیری را در اختیار قرار می‌دهند (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

هر یک از انبیاء بزرگ الهی در محدوده زمانی خویش لایه‌هایی از تمدن سترگ و عظیم انسانی را به وجود آورده و حاصل دستاورد خود را در بهبود زندگی انسان به کار برده است. منطقه‌ی بین‌النهرین گهواره تمدن‌ها نامیده شده است. فلسفه مهد تمدن بودن این منطقه این است که خواستگاه انبیاء بزرگ الهی بوده و تمدن از این

^۱ - Civilization.

منطقه سرچشمه گرفته و به تمام نقاط جهان پرتو افکنده است. ارکان اصلی تمدن انبیاء (ع) که به آن توجه ویژه داشته‌اند شامل جامعه، قانون، حکومت، کار و تولید بوده است (سلمیانی، ۱۳۸۹: ۱-۳).

بعثت انبیاء (ع) برای ایجاد یک جامعه فاضله و ایجاد تمدن است. این تمدن همه چیز دارد، هم علم دارد، هم اخلاق دارد، هم سبک زندگی دارد و هم جنگ دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱/۱۴. <http://www.leader.ir>).

حضرت نوح (ع) در تمدن سازی خویش دو بعد معنوی و مادی را ترسیم نموده و به اجرا درآورده است. از مباحث معنوی تمدن ایشان دعوت قوم به توحید خدای سبحان و ترک شرک و بت پرستی است. بطوری که از دو سوره نوح و یونس بر می آید آنان را به اسلام می خواند و بطوری که از سوره هود آیه ۲۸ استفاده می شود از آنان می خواسته تا امر به معروف و نهی از منکر کنند و نیز همانطور که از آیه ۱۰۳ سوره نساء و آیه ۸ سوره شورا بر می آید نماز خواندن را نیز از آنان می خواسته و بطوری که از آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره انعام بر می آید رعایت مساوات و عدالت را نیز از آنان می خواسته و دعوتشان می کرده به اینکه به فواحش و منکرات نزدیک نشوند، راستگو باشند و به عهد خود وفا کنند و بطوری که از آیه ۴۱ سوره هود بر می آید آن جناب اولین کسی بوده که مردم را دعوت می کرده به اینکه کارهای مهم خود را با نام خدای تعالی آغاز کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۲۴۸-۲۴۹).

برای نیل به وضعیت مطلوب، حضرت نوح (ع) مراحل شفاف سازی بیان رسالت خود، انذار و تبشیر، استقامت و توکل به خدا و نجات مؤمنین با ساخت کشتی را مرحله به مرحله پیمودند.

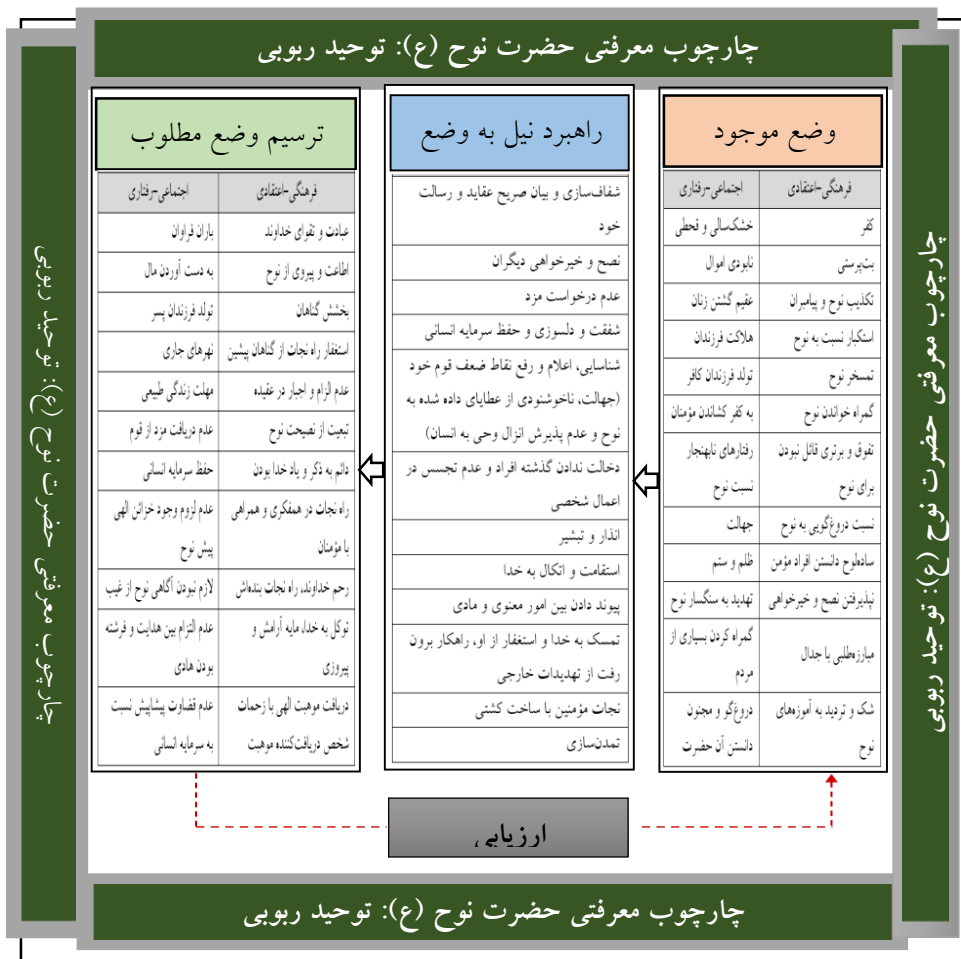
ردیف	راهبردهای نیل به وضع مطلوب قوم نوح (ع)	استنادها
۱	شفاف سازی و بیان صریح عقاید و رسالت خود	اعراف/۶۲
۲	نصح و خیرخواهی دیگران	اعراف/۶۲
۳	عدم درخواست مزد	هود/۲۹
۴	شفقت و دلسوزی و حفظ سرمایه انسانی	هود/۲۹ و شعراء/۱۱۴
۵	شناسایی، اعلام و رفع نقاط ضعف قوم خود (جهالت، ناخوشنودی از عطایای داده شده به نوح و عدم پذیرش انزال وحی به انسان)	اعراف/۶۳، هود/۲۸ و ۲۹، نوح/۱۰
۶	دخالت ندادن گذشته افراد و عدم تجسس در اعمال شخصی	شعراء/۱۱۲ و ۱۱۳
۷	انذار و تبشیر	نوح/۱، اعراف/۶۳، هود/۲۵ و ۴۳
۸	استقامت و اتکال به خدا	یونس/۷۱
۹	پیوند دادن بین امور معنوی و مادی	نوح/۱۰
۱۰	تمسک به خدا و استغفار از او، راهکار برون رفت از تهدیدات خارجی	هود/۴۳ و نوح/۱۰-۱۲
۱۱	نجات مؤمنین با ساخت کشتی	هود/۳۷-۳۸
۱۲	تمدن سازی	هود/۲۸ و ۴۱

جدول: ۳-۴- راهبردهای نیل به وضع مطلوب حضرت نوح (ع)

۴-۲- برابند نهایی مدل

چارچوب معرفتی حضرت نوح (ع) را توحید ربوبی تشکیل داده است. برنامه-ریزی راهبردی آن حضرت که متأثر از اعتقاد او به توحید ربوبی بوده، در سه مرحله شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مجموع نکات و برداشتهایی که از آیات انجام گرفت مدل مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی مستفاد از منطق و مبانی هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) در شکل زیر آمده است.

مدل برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم (مطالعه موردی حضرت نوح (ع))



۵-۲- امتیازات و برجستگی های برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح (ع)

برنامه‌ریزی راهبردی متعارف در علم مدیریت با توجه به مدل‌های ارائه شده، شامل فرایند و مراحل است که به‌طور فشرده سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی دارد. در تعریف منتخب از برنامه‌ریزی راهبردی در این مقاله، مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح بر اساس سه محور شناسایی وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راه‌های رسیدن به وضع مطلوب مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس محورهای سه‌گانه بالا تطبیق برنامه‌ریزی حضرت نوح (ع) با برنامه‌ریزی راهبردی علم مدیریت در این است که برنامه‌ریزی راهبردی آن حضرت فراتر از برنامه‌ریزی راهبردی متعارف بوده و امتیازاتی دارد که در زیر فهرست‌وار ذکر می‌گردد.

ردیف	امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی حضرت نوح (ع)	استنادها
۱	اعلام صریح مقام و جایگاه سازمانی خویش همراه با دلسوزی، نصیح و خیرخواهی مردم	(اعراف/۶۲)
۲	داشتن تفوق و برتری علمی و تخصصی در سلسله‌مراتب مدیریتی	(اعراف/۶۲)
۳	با وجود بی‌منطقی‌های فراوان قوم، برخورداری از منطق و برهان	(هود/۲۸)
۴	تحمل و صبر بی‌اندازه در مقابل کارشکنی‌ها و عدم تبعیت قوم	(اعراف/۶۲)
۵	پیوند دادن بین امور معنوی و امور مادی	(نوح/۱۰-۱۲)
۶	نجات قوم از گرفتاری‌های فکری-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری با ایمان و استغفار	(نوح/۱۰-۱۲)
۷	تحلیل عوامل داخلی و خارجی بر اساس چشم‌انداز توحیدی	(نوح/۱۰-۱۲)
۸	بهره‌گیری از انذار و تبشیر در هدایت سازمان	(نوح/۱). اعراف/۶۳. هود/۲۵ و (۴۳)

۹	عدم درخواست مزد	(هود/۲۹)
۱۰	اهتمام به تثبیت فرهنگ و ارزش‌های سازمانی و بهره‌گیری از انواع ارزش‌ها در سازمان	(اعراف/۶۳، یونس/۷۱، هود/۲۸ و ۴۱)
۱۱	شناسایی و تعیین مسائل راهبردی با نگاه توحیدی (رب و استغفار)	(نوح/۱۰)
۱۲	استفاده از منابع غیبی در برنامه‌ریزی راهبردی و نقش کلیدی قائل بودن به عوامل فرا مادی	(مؤمنون/۲۷ و ۲۹)
۱۳	حفظ سرمایه انسانی و کرامت قائل شدن به سرمایه انسانی در سازمان	(هود/۲۹ و شعراء/۱۱۴)
۱۴	جامع‌نگری در درخواست‌ها و شرکت دادن دیگران حتی همه هم‌عقیده‌ها بدون مرز زمانی	(نوح/۲۸)
۱۵	استفاده از تمامی شیوه‌های مؤثر و فرصت‌ها	(نوح/۵، ۸ و ۹)
۱۶	شناسایی، اعلام و رفع نقاط ضعف	(اعراف/۶۳، هود/۲۸ و ۲۹، نوح/۱۰)
۱۷	پرهیز از تجسس در اعمال شخصی افراد و دخالت ندادن گذشته شخصی اعضا در سازمان	(شعراء/۱۱۲ و ۱۱۳)
۱۸	برخورد صریح و قاطع با افراد ناهنجار در سازمان و جامعه	(هود/۴۳)
۱۹	استقامت و اتکال به خدا در همه حال	(یونس/۷۱)
۲۰	استفاده از فرصت استجاب دعا	(نوح/۲۶-۲۷)
۲۱	راهکار برون رفت از تهدیدات خارجی	(هود/۴۳ و نوح/۱۰-۱۲)
۲۲	نجات مؤمنین با (ساخت کشتی) هر وسیله ممکن	(هود/۳۷-۳۸)

جدول: ۴-۴- امتیازات و برجستگی های برنامه ریزی حضرت نوح (ع)

نتیجه

چارچوب معرفتی حضرت نوح (ع) را توحید ربوبی تشکیل داده و در راستای برنامه‌ریزی راهبردی، سه مرحله شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای نیل به وضع مطلوب را اقدام نموده است. ایشان با استقامت و پایداری در مسیر چشم‌انداز توحیدی به بیان صریح عقاید خود پرداخته در این راه از همه شیوه‌ها و فرصت‌های مؤثر استفاده برده است. آن حضرت در برنامه‌ریزی راهبردی خود از غیب استمداد فراوان نموده میان ارزش‌ها و اعتقادات با عوامل مادی پیوند ایجاد کرده است. با آینده‌نگری جامع برای حفظ نسل بشر و دیگر موجودات از طوفان جهانی، کشتی محکم ساخته و از هر حیوان جفتی را در آن سوار می‌کند تا نسل آن‌ها در زمین باقی بماند. از جمله راهبردهای اصلی او حفظ سرمایه انسانی مؤثر بوده است. ایشان در تحلیل محیط بیرونی بیانی از فرصت‌های موجود در طبیعت نموده، اعضای سازمانش را به سیر آفاقی و انفسی دستور می‌دهد. آن حضرت عدم درخواست مزد و دخالت ندادن آن به اعضای سازمان را از جمله اصول استراتژیک خویش برشمرده و این امر مهم و استراتژیک را بارها تأکید می‌کند. برنامه‌ریزی حضرت نوح امتیازات و برجستگی‌هایی نسبت به برنامه‌ریزی علم مدیریت دارد که در جدولی بیان گردیده و برخی از آن‌ها در بالا ذکر شد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳)، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ایران - قم نوبت چاپ اول.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنبؤ المعروف بتفسیر ابن عاشور. مؤسسه التاريخ العربی - لبنان - بیروت، چاپ اول.
- ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳)، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السليم الى مزایا القرآن الکریم). دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ اول.
- احمدی، علی و همکاران. نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک. انتشارات تولید دانش. پسران قادر، مجید (۱۳۸۰)، مدیریت و سازمان (از دیوانسالاری تا ویژه‌سالاری). ناشر: ارغنون / تهران. چاپ سوم.
- جری، جانسون. لنگی، آن. ملین، لیف. ویتینگتون، ریچارد (۱۳۹۳)، شکل‌گیری استراتژی در عمل. ترجمه: حسین رحمان‌سرشت و شهرام خلیل‌نژاد. نویسندگان: تهران انتشارات علمی. چاپ اول.
- جفری اس، هریسون. کارن اچ. حان (۱۳۹۲)، مبانی مدیریت استراتژیک. ترجمه سیدمحمد اعرابی، محمد رسول الماسی فرد. تهران مهکامه. چاپ سوم. مرداد.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. انتشارات سمت. چاپ یازدهم.
- حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸)، مقتنیات الدرر، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- حسین اف، صفرمراد (۱۳۹۷)، جامعیت برنامه‌ریزی راهبردی قرآن برای انسان مؤمن با بررسی آیات «یا ایها الذین آمنوا»، جامعه المصطفی (ص) واحد اصفهان، بهار.

حکیم، محمدباقر (۱۳۷۴)، القصص القرآنی. المركز العالمی للدراسات الاسلامیة - ایران - قم، چاپ دوم.

حوی، سعید (۱۴۲۴)، الالاساس فی التفسیر. دار السلام - مصر - قاهره، چاپ ششم.
حیدرزادگان، علیرضا. مشهدی عباس، فاطمه (۱۳۹۲)، فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک از منظر قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی، سال چهارم، شماره ۱۶.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، بیانات در دیدار مسئولان نظام، سفیران کشورهای اسلامی و

قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید مبعث <http://www.leader.ir>

دورانت، ویل (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.

دیالمه، نیکو (۱۳۹۳)، تأثیر جهان‌بینی توحیدی در دانش مدیریت. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). پردیس خواهران، معاونت پژوهشی و فناوری.

دیباچی، محمدعلی (۱۳۸۷)، پیامبران دولتمرد، پژوهشی در باره مدل‌های حکومت دینی در قرآن. تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

۱۳۷ سلیمانی، زهرا، منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۹)، تمدن‌سازی انبیاء ابراهیمی، فتنه‌ها و راهکارها (مطالعه موردی، حضرت موسی)، مجله تاریخ در آینه پژوهش، سال هفتم، شماره چهارم.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - ایران، چاپ اول.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۲۰۰۷)، الالکلیل فی استنباط التنزیل، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ اول.

شبستری، عبدالحسین (۱۳۷۹)، اعلام القرآن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات - ایران - قم، چاپ اول.

شیخلی، بهجت عبدالواحد (۱۴۲۷)، اعراب القرآن الکریم (شیخلی)، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات-لبنان-، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصحح، یزدی طباطبایی، فضل الله. رسولی، هاشم. تهران، ناصر خسرو، نوبت چاپ سوم.

عابدی جعفری، حسن. معصومی مهر، حمیدرضا (۱۳۹۲)، مدیریت اسلامی (مدل‌ها و موانع تحقق آن در جامعه و سازمان‌ها)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.

فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی - لبنان - چاپ سوم.

فرازی، عباس و همکاران (۱۳۹۵)، ارائه الگوی مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر زمینه دانشگاهی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران. س ۸ ش ۳.

فرد آر، دیوید (۱۳۹۲)، مدیریت استراتژیک، ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ بیست و هفتم.

فروزنده، لطف الله. کوثری، سحر (۱۳۹۰)، شاخصه‌های ارتباط سازمانی با رویکرد قرآنی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.

فرهنگی، علی اکبر؛ صفر زاد، حسین (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با نگرشی بر پایان‌نامه نویسی)، قم، پیام پویا، چاپ اول.

لطفی، امیرعلی و حسین اف، صفرمراد (۱۳۹۶)، سازوکار توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی با تأکید بر قرآن کریم، کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، مجموعه مقالات قرآن و مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه - قم - ایران، چاپ اول.

لطفی، امیرعلی و حسین اف، صفرمراد (۱۳۹۷)، جامعیت قرآن کریم در عرصه تأثیر اعتقاد به توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی. جامعه المصطفی (ص) واحد اصفهان. اللواتی، هلال بن حسن (۱۳۹۶)، النظرية الاستراتيجية الإلهية في القرآن الكريم. ایران قم. انتشارات ترجمه و نشر المصطفی (ص). چاپ اول.

معین، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی معین. انتشارات امیرکبیر. چاپ یازدهم. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه. ناشر، دار الکتب الإسلامیه، مکان چاپ، ایران- تهران، نوبت چاپ دهم.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۸)، علوم انسانی و تمدن‌سازی دینی. برگرفته از علوم انسانی و تمدن‌سازی آن. به اهتمام علی خورسندی طاسکوه. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.

نچمیاس، چاوا فرانکفورد (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی. مترجمان. فاضل لاریجانی و رضا فاضلی. ناشر: انتشارات صدا و سیمانی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول.

نقره‌کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ نقره‌کار، سلمان (۱۳۸۹)، مدل‌سازی؛ روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای. نمونه موردی: امکان‌سنجی بهره‌گیری از آموزه‌های «اندیشه

اسلامی» در «آموزش معماری». نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. شماره اول.

نوریان، حسین. روش تحلیل استراتژیک وضعیت موجود کسب و کار (بر اساس مدل babok).

www.hosseinnourian.com

هاشمی شهرستانی، عمران (۱۳۸۹)، شناختی از انبیاء (ع) در قرآن و روایات از حضرت آدم تا حضرت خاتم (ص). قم. پیام حجت. چاپ اول.

Alkhafaji, Abbass F. ۲۰۰۳, Strategic management: formulation, implementation, and control in a dynamic environment. Printed in the United States of America. The Haworth Press, Inc. ۱۰ Alice Street, Binghamton, NY.

Janet, Shapiro. ۲۰۰۱, Strategic Planning Toolkit. For further information about CIVICUS: World Alliance for Citizen Participation ۲۴ Pim Street, corner Quinn Street. South Africa. Newtown, Johannesburg.

Kuhn, Thomas S. ۱۹۷۰, The Structure of Scientific Revolutions. The University of Chicago. Second Edition, enlarged.

Robbins, Stephen P. David A. DeCenzo, Mary Coulter ۲۰۱۳, Fundamentals of management: essential concepts and applications. Pearson Education, Inc, publishing as Prentice Hall. New Jersey. ۸th ed.

مدل برنامه ریزی راهبردی در سازمان از منظر قرآن کریم (مطالعه موردی حضرت نوح (ع))